



رئیس قوه قضائیه:

دادستان ها وضعیت بازداشتی های اخیر را روشن کنند

گروه سیاست: با گذشت چند هفته از اعتراضات به گرانی بنزین در آبان ماه، همچنان خبری از آمار دقیق بازداشتی ها و کشته شدگان منتشر نشده است، این درحالی است که رئیس قوه قضائیه بارها خواستار تعیین تکلیف بازداشتی ها شده بود...

صفحه ۳

سه شنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۸ • ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۴۱ • ۱۷ دسامبر ۲۰۱۹

تنترها

ردپای جدول ۱۷ در بودجه

صفحه ۵

سرنوشت ترامپ در دست ۲۰ سناتور

صفحه ۷

روایت حاجی از فشارها به معاونش

نمره ۱۱ شهروندان به عملکرد شهرداری

صفحه ۱۳



یادداشتی از اسید حجاریان

متافور و قدرت

در متن پیش‌رو می‌خواهم رابطه بین متافور و قدرت را در این بازی کلان توضیح دهم. متافور کلمه‌ای است یونانی که به اموری شبیه به استعاره و تشبیه و تمثیل اطلاق می‌شود. در هر متافور یک منبع (source) معنایی وجود دارد که از میان عناصر موجود در آن گزینشی صورت می‌گیرد و برای مقصدی (target) خاص به کار برده می‌شود؛ طلا منبع ماست که بخشی از ویژگی‌های آن را عاریه گرفته و به وقت، به‌عنوان مقصد، اطلاق کرده‌ایم. چنانکه پیداست در این استعاره هم طلا واجد ارزش است و هم وقت؛ بنابراین هم می‌توان طلا را ضایع کرد و هم می‌توان وقت را هدر داد و طبیعتاً می‌توان هر دو را در مسیری مولد صرف کرد اما باید در ذهن داشت که نمی‌توان سایر خواص طلا مانند فرم‌گیری، ضربه‌پذیری و... در به وقت نسبت داد.

در نمونه‌ای دیگر می‌توان به این تشبیه اشاره کرد: «یعقوب لیث همچون شیر است». این تشبیه آن‌گونه که بدو به ذهن می‌رسد به شجاعت یعقوب راجع است، اما ندرتاً درباره دیگر صفات مشترک شیر و انسان ازجمله «خبر قم» نیز به کار گرفته می‌شود. ولی التفات داریم که اگر گفته شد عارفی شیر را به خدمت گرفت و مقداری هیزم هم بر پشتش گذاشت و نهایتاً شیر به زبان عربی خداحافظی کرد و به صحرا برگشت، به وادی خرافه وارد شده‌ایم؛ زیرا دروغی گفته شده است تا قدر عارف بالاتر رود و بر شمار مریدانش افزوده شود؛ به تعبیری «التشبیه یقرب من بُعد و یبعد من ابعا». بنابراین باید دقت داشت، چنانچه در مواردی از بعدی خاص فراتر برویم آگاهی کاذب ایجاد کرده‌ایم که بنا به تذکر مارکس تجمیع آن به ایدئولوژی می‌انجامد و ایدئولوژی امری است در جهت توجیه قدرت. این رویه قدرت‌ستایی البته مسبوق به سابقه است؛ برای نمونه نظامی در ابیاتی از هفت‌بیکر می‌گوید:

همه عالم تن است و ایران دل / نیست گوینده زین قیاس خجل / چگونه ایران دل زمین باشد / دل ز تن به بود، یقین باشد

و ادامه می‌دهد:

هر ولایت که چون تو شه دارد / ایزد از هر بدش نگه دارد

او با ابزار قیاس، ابتدا ایران را قلب دنیا معرفی می‌کند تا تأکید کند بدون قلب بقا و دوامی متصور نیست و سپس اعلام می‌کند شاه این کشور، قلبه عالم است؛ یعنی مالک دنیاست!

حالا به سراغ متافورهای قدرت می‌روم که از قدیم‌الایام و تدریجاً پرورده‌شان کشوده شده است.

۱- متافور ارگانیک: شماری از متفکران دربی آن بودند که جامعه و ساختار سیاسی آن را با استفاده از کارکردهای اجزای بدن انسان نمایش دهند. توکوئل ازجمله آنهاست که اریستوکراسی را به بازوهای انسان، روحانیان را به قلب، بازرگانان و کشاورزان را به معد و حاکم را به سر تشبیه کرده است.

ادامه در صفحه ۴



ربیعی با اشاره به طرح استیضاح وزرا در مجلس:

در این دوران سخت به رحمانی فضلی وزنگنه نیاز داریم

گروه سیاست: سخنگوی دولت در نشست خبری این هفته خود به موضوع مورد توجه این روزهای مردم یعنی اینترنت پرداخت. علی ربیعی به جلسه شورای عالی فضای مجازی اشاره کرد و گفت: «در این جلسه در رابطه با اینترنت و نگرانی‌های مربوط...

صفحه ۳



سال هفدهم • شماره ۳۵۹۹ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

تنترها

نامه علی مطهری خطاب به فرمانده سابق سپاه

صفحه ۲

دیدگاه زیبا کلام، جنیدی کاشانی و کدخدایی درباره تغییر قانون اساسی

صفحه ۶

گزارش میدانی «شرق» از محله دیده‌نشده

مطرودان کیش

صفحه ۸



با عادل فردوسی‌پور چه می‌شود کرد؟

صفحه ۱۴



عکس: بااحمد هعینی، چم، ایرنا

بررسی چرایی اصرار برخی نیروهای سیاسی بر استعفای رئیس‌جمهور:

روحانی در کشاکش بودن و نبودن

عباس عبدی با تأکید بر استعفا: دولت دیگر قادر نیست هیچ تصمیمی بگیرد

عباس سلیمی‌نمین: استعفا و استیضاح روحانی خلاف مصالح ملی است

روحانی جمعه در ژاپن

روایت عراقچی از ۹۰ سال رابطه ایران و ژاپن

در زمان تحریم ایران در دهه ۵۰ میلادی ژاپنی‌ها از ما نفت خریدند

سفر روحانی به توکیو در ادامه سفر آبه به تهران است

● صفحه‌های ۱۵ و ۲

یادداشت

راز بقا در جاده ساوه

همذات‌پنداری جوان سالم و کوشای جامعه ما با شیر دریایی دندان‌شکسته راز بقا، نشانه و هم‌انگیزی از آن چیزی است که در جامعه ما رخ می‌نمایند؛ ولی برخی از ما آن را نمی‌بینیم؛ مایی که فکر می‌کنیم اگر با بستن چشمان خود چیزی را نبینیم، آن چیز حتماً وجود ندارد.

پیش‌نیاز پاسخ مطلوب به موضوعات اجتماعی، پذیرفتن واقعیت‌های پنهان و پیدای فضای موجود جامعه است. همه آمارهای جامعه‌شناسانه، جمعیت‌شناسانه، سیاسی و اقتصادی بیان‌کننده وجود التهابات شدید در جامعه به‌ویژه نزد جمعیت جوانی‌جویای کار و زندگی باکرامت است.

سرخوردگی اجتماعی از روندهای دموکراتیک، فساد ساختاری، توزیع رانت و احساس ناامیدی از ایجاد تغییرات مطلوب و داشتن زندگی همراه با کرامت موجب شده است که مردم دیگر تاب و توان پذیرفتن فشارهای جدید را از دست بدهند. این سرخوردگی اجتماعی موجب بروز مخالفت‌های گسترده در جامعه در همه سطوح طبقات می‌شود. هر دولتی که نتواند مخالفت‌های درون سیستم را با تدبیر، تغییر و پاسخ‌گویی مطلوب کنترل کند، این مخالفت‌ها به اعتراضات و اعتراضات در صورت نبود پاسخ‌گویی به اغتشاشات و در صورت نبود پاسخ‌گویی، اغتشاشات به شورش‌های اجتماعی و... منتهی خواهد شد.

حال اگر این دوست راننده ما که سرخورده از سازوکارهای اجتماعی است و مخالفت‌هایش به جایی نرسیده و گوش شنوایی برای شنیدن نظراتش نیافته، نه خیابان بیاید و اعتراض خود را بیان کند، مطمئناً نه سمپاد تروریست‌های منافق است و نه دل در گرو سلطنت‌طلبان منترض راحت‌طلب دارد. هنر هر حکومت، گفت‌وگو و اقناع شهروندان است و اگر شهروندان اقناع نشوند، شیوه‌های مخالفت شهروندان به شکل‌های دیگر تحقیقا نمود اجتماعی خواهد یافت. پس اگر حکومتی می‌خواهد جامعه را در مسیر رشد و تعالی قرار دهد، باید حقوق شهروندان ازجمله حق «اعتراض» را به رسمیت بشناسد و در راستای گفت‌وگو و اقناع شهروندان، صادقانه حرکت کند.



سیدعلی طباطبایی
استاد دانشگاه

با یکی از تاکسی‌های اینترنتی تماس می‌گیرم، جوانی با پراید سفید به دنبال می‌آید، با سنی حدود ۲۵ تا ۳۰ سال. سر صحبت را با او باز می‌کنم، متاهل است و همراه همسر و دخترش در جاده ساوه زندگی می‌کند. با غمی پیدا و نهان سخن می‌گوید و در ادامه با ابراز ناراضیاتی کامل از زندگی‌اش به بیان خاطره‌ای می‌پردازد.

او می‌گوید شبی در تلویزیون برنامه راز بقا را تماشا می‌کرده است که درباره یک شیر دریایی بوده است که در هنگام شکار، دندان‌های پیشینش شکسته شده بود. او می‌گوید: راوی راز بقای تلویزیون نقل می‌کرده که این شیر دریایی که دندان‌های پیشینش شکسته و با چهره‌ای خونین و مالین به تصویر کشیده شده، به دلیل آنکه دیگر نمی‌تواند شکار کند و چیزی بخورد، در آخر خواهد مرد.

راننده تاکسی اینترنتی می‌گوید در آن شبی که فیلم راز بقا و چهره مستاصل و خونین شیر دریایی را دیده بود، به‌شدت برای آن شیر دریایی دل سوزانده بود و «غمی» برای شیر دریایی نگون‌بخت در دلش نشسته بود.

او ادامه می‌دهد اکنون من نیز خودم سوزۀ «راز بقا» شده‌ام و ادامه می‌دهم: ماه‌ها است که دندان‌درد و خون‌ریزی لثه دارم و نمی‌توانم غذا بخورم. چند روز پیش به دندان‌پزشک مراجعه کردم و دندان‌پزشک برای معالجه دندان‌هایم چندین میلیون تقاضا کرده است.

«راننده تاکسی اینترنتی» نگاهش را از اتوبان کردستان برمی‌دارد و به چهارم می‌دزد و با بانکی بین‌المللی بیهود می‌یافت، شاید نرخ ارز و تورم هم ثابت می‌ماند. بدون تردید تحریم آمریکا و کم‌اثربودن اقدامات مسئولان باعث این شرایط شده است. بدون تردید هر اقدام احتمالی، مانع از تأثیر حتی جزئی تحریم آمریکا نبود اما می‌شد بسیار بهتر و بیشتر، از تأثیر تعیین‌کننده آن جلوگیری کرد.

همین مسئله بنزین، یک مثال عینی است. اگر پس از اعلام تحریم آمریکا تأکید می‌شد نباید به خارج وابسته بود و سهمیه‌بندی صورت می‌گرفت تا چه اندازه بر آن محاسن متصور بود. البته اصل برهم‌زدن سهمیه‌بندی و کنارگذاشتن کارت سوخت عملی بسیار ناپسند بود که توسط وزارت نفت دولت روحانی اتفاق افتاد.

یادداشت

نقشه ترامپ علیه ایران عملی شده است؟



سیدمصطفی هاشمی‌طبا

و نگاه جدید به اقتصاد کشور و نیازهای مردم بر ادامه راه گذشته که واردات و مصرف بود، افزودند و از جمله اعلام کردند هرچقدر هرکس بخواهد ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی دریافت می‌کند! ۶۰ تن سکه طلا را در بازار آزاد به مردم فروختند و مثل احمدی‌نژاد گفتند تحریم‌ها کاغذی‌بار است و در شش سال ریاست‌جمهوری حسن روحانی، معادل دوره هشت‌ساله قبل، حدود هشت میلیارد دلار اتومبیل از خارج وارد شد؛ از همان کشورهایی که همسو با آمریکا، ایرانیان را تحریم کرده‌اند. حتی از خود آمریکا کالای مصرفی وارد شد، غافل از اینکه جامعه و خزانه ارزی از درون تهی شده و تبعات ناگواری در اقتصاد بر جای می‌گذارد؛ بدون آنکه حداقل به رفع محرومیت اقشار فرودست جامعه کمک کنند. در این حال تریبون‌های هفتگی دانما در لزوم بسط معیشت مردم سخن می‌گویند و دولت هم با سکوت می‌کند یا بر این طبل بیشتر می‌کوبد. البته به‌دروستی باید گفت چنانچه دولت به هر اقدام متناسبی دست می‌زد، باز همچنان از تریبون‌های معاند خارجی و نیز از بلندگوهای داخلی مورد هجمه قرار می‌گرفت و تنها تفاوتش با حال این بود که اگر دولت کار مؤثرتری می‌کرد، آنها به ناحق حرف می‌زدند ولی این حق و باطل را به هم آمیخته‌اند.

قاطعانه می‌توان گفت شرایط اقتصادی ایران در صورت امتداد اجرای برجام و بدون خروج آمریکا از آن و تحریم‌ها فاصله بسیاری با وضع کنونی داشت؛ به‌ویژه در آن شرایط روابط حاکمیت با مردم و حاکمیت با خود با اکنون متفاوت و متضمن رشد اقتصادی حسب آمارها و نه واقعیت- بود. سرمایه‌گذاری خارجی اندکی بهبود می‌یافت و شرکت‌های خارجی نمایندگی خود را در ایران همچنان داشتند. نفت ایران فروش بهتری می‌داشت و روابط با دیگر کشورها از جمله همسایه‌ها بهبود پیدا می‌کرد. گردشگری رونق و صادرات و روابط بانکی بین‌المللی بهبود می‌یافت، شاید نرخ ارز و تورم هم ثابت می‌ماند. بدون تردید تحریم آمریکا و کم‌اثربودن اقدامات مسئولان باعث این شرایط شده است. بدون تردید هر اقدام احتمالی، مانع از تأثیر حتی جزئی تحریم آمریکا نبود اما می‌شد بسیار بهتر و بیشتر، از تأثیر تعیین‌کننده آن جلوگیری کرد.

همین مسئله بنزین، یک مثال عینی است. اگر پس از اعلام تحریم آمریکا تأکید می‌شد نباید به خارج وابسته بود و سهمیه‌بندی صورت می‌گرفت تا چه اندازه بر آن محاسن متصور بود. البته اصل برهم‌زدن سهمیه‌بندی و کنارگذاشتن کارت سوخت عملی بسیار ناپسند بود که توسط وزارت نفت دولت روحانی اتفاق افتاد.

ادامه در صفحه ۲

سرمقاله

«معضل» انتخابات برای اصلاح‌طلبان

علی شفیعی • پژوهشگر



انتخابات در جهان جدید و همه‌جای دیگر یک «حق»، «فرصت» و ظرفیت است؛ اما در اینجا و برای بسیاری؛ ازجمله جریانی که خود را «اصلاح‌طلب»

می‌نامد، یک معضل است. چرا معضل؟ معضل چیست؟ معضل وقتی شکل می‌گیرد که یک مسئله چنان پیچیده و سخت شود که تبدیل به مشکل شده و از دل این مشکل، مشکلاتی دیگر زایش کند؛ به‌گونه‌ای که به‌راحتی نتوان از آن گذر کرد و نتوان برای حل آن به‌تهدایی پیشه‌باید داد. انتخابات یک معضل برای اصلاح‌طلبان است؛ چراکه ایشان وقتی ناتوانی خویش در نقش‌آفرینی حداقلی در فرایند آن و از سوی دیگر انتظارات واقعی و گاه غیرواقعی برخی همراهان‌شان را می‌بینند، خود را در برابر پرسش‌هایی از این قبیل می‌یابند؛ آیا در انتخابات شرکت کنیم یا خیر؟ مصلحت اصلاح‌طلبی در تکرار افزایش مشارکت مردم با ابزاری مانند: انتخابات است یا نه؟ اگر انتخابات نه، جایگزین آن چیست؟ آیا اصلاحات را می‌توان به

معنای خروج از رفتارهای مشروعیت‌بخش تعریف کرد؟ و... به نظر می‌رسد پاسخی از علل و عواملی که ساخت انتخابات را برای اصلاح‌طلبان تبدیل به یک معضل کرده، این است که بسیاری از ایشان تنها راه حضور و ارتباط با افکار عمومی را مشارکت در انتخابات می‌دانند - و به‌دروستی هم می‌گویند - چون فرصت و ظرفیت و توانمندی دیگری برای ارتباط با شهروندان به جز انتخابات از منظر آنان وجود ندارد؛ بنابراین باید تن به این مقوله داد و از اینجااست که این امر برای ایشان به جای یک فرصت تبدیل به یک معضل می‌شود. اصلاح‌طلبان به ظرفیت‌های سنتی مانند مساجد و منابر و حسینیه‌ها و مداحی‌ها و... در اختیار دارند و نه می‌توانند راحت در روزنامه‌ها و مجلات و فضاهای مجازی با یکدیگر و با عموم شهروندان گفت‌وگو کنند و سخن بگویند.

ادامه در صفحه ۲

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

پیام کوتاه
۳۰۰۰۴۶۹۹

الو شرق
۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir